

از لابلای یادداشت ها و نیشته های روزمره ام

## حاکمیت "طالب" ها در جوانگاه جدال های اجتماعی

آیا تغییر ناگهانی رژیم، درسی به پیروزی حاکمان جدید داد؟

فروپاشی جاده پر خم و پیچ طرح های امریکایی

چگونگی مشروعیت بخشی به تروریزم، بدویت و بربریت  
نباید مسکن در خود را در سرزمین دیگران جست  
مجادله گروچگونگی شمشیربازی های لفظی  
عقدۀ حقارت شخصی را دست کم نگیرید

جدال های اجتماعی و از جمله بی ثباتی سیاسی را میتوان بدوشکل اندازه گیری نمود: در روش نخست برخی از شاخصها در مورد یادشده مورد استفاده قرار می گیرد. رهیافت دوم بر روی میزان ثبات یا بی ثباتی مدیریت اجرایی تکیه می کند از آنجا که منظور ما در این نوشتار از بیثباتی سیاسی، همان رهیافت نخست است که بر بنیاد تعریف مؤسسه سرویس های ریسک سیاسی نشان داده میشود، بی ثباتی اینگونه تعریف می گردد: اصطلاح بی ثباتی شامل اعتراضات گسترده، اعتصابات عمومی، تظاهرات، شورشها، تروریزم، جنگ چریکی، جنگ داخلی و جنگ مرزی می باشد. همچنین شامل آشفتگی بدلیل واکنش دولت نسبت به نا آرامی ها نیز میشود. نظریه پردازان عصر روشنگری از جمله هابز، روسو، و مونتسکیو در نظریه های سیاسی خود بمقوله امنیت توجه بسیاری کرده اند. به باور هابز، دولت برای از بین بردن شرایط نا امن و به تعبیری "جنگ همه بر ضدهمه" تأسیس میشود و از اینرو علت وجودی دولت بمنظور حفظ امنیت است. در شرایط امروزی علیرغم غلبه گرایش های نئولیبرالستی در جهان که معطوف به دولت حداقل و محدود نمودن هر چه بیشتر دولت می باشد، در وجه تأمین امنیت، دولت همچنان بازیگری بی بدیل بر جای مانده است. بعلاوه با پیدایش ساختار دولت نوین تعریف مجدد نحوه ارتباط آن با جامعه در چارچوب مشخصی که بنام "ارزش های" عام هر جامعه در قواعد و قوانین اساسی متبلور می گردد.

در نیشته حاضر، نخست از همه، تذکر این مهم قابل یاددهانی پنداشته می شود که روابط بین المللی مدرن، آسیای مرکزی را بمثابة منطقه ای می پندارد که در حال گشودن در هایش بر روی جهان وجهانیان می باشد. در گام نخست، از جمله در مورد افغانستان عزیز ما این پرسش با تمام اهمیت آن مطرح بحث قرار می گیرد که در پس زمینه تأمین صلح و ثبات در سرزمین رنج کشیده کشور عزیز ما بمنظور عبور از بحران داخلی، آیا امکان تشکیل و پایه گذاری دولت و حاکمیت سیاسی پایدار، میسر می باشد؟ بایست متذکر گردید که در شرایط کنونی و وضعیت موجود می توان شاهد تلاش بسیاری از کشورهای آسیای مرکزی بمنظور تدوین سیاست های شان بهدف تحکیم بیش از پیش پایگاه اجتماع آنها بود. همچنان کشور عزیز ما افغانستان در سیاست برخی از کشورها نیز از جایگاه منحصر بفردی برخوردار می باشد. نباید فراموش نمود که تجربه توسعه و انکشاف بمفهوم وسیع کلمه، بویژه در امتداد سده ۲۰ بوضوح نشان داد که کشور عزیز ما افغانستان در منافع جیوپولیتیکی قدرت های جهانی از موقعیت منحصر بفردی برخوردار بود. بخاطر باید داشت که بسیاری از دلایل اصلی و عمده بحران در کشور ما را کودتای نظامی سال ۱۳۵۲ و پس از آن تحولات انقلابی سال ۱۳۵۷ می پندارند. واقعیت های جامعه افغانی بیانگر این مسأله بود که کشور ما بدلیل وجود، اصلن آماده دگرگونیها بر بنیاد "الگوهای" سوسیالیستی نبود، چه، ماهیت و ویژگی های روابط و مناسبات قومی،

قبیلوی، نژادی و ملی و نقش دین و مذهب در جامعه اصلن در نظر گرفته نشده، اختلافات در زمینه های یادشده، بیش از پیش حادث گردیده و ضد و نقیض گویی های داخلی در ح.د.خ.ا بویژه میان فرکسیونهای "خلق" و "پرچم" همچنان ادامه یافته که بخودی خود، زمینه ساز انشعاب و انشقاق اجتماعی گردید. موازی با آن، درگیری های داخلی در کشور بویژه در امتداد سال ۱۳۵۸ تشدید گردیده و کشور ما عملن در وضعیت بحرانی و درهم و برهمی فرورفته که وضعیت اینچنینی بخودی خود انعکاس دهنده واقیعت رادیکال شدن جامعه افغانی و جنب و جوش عملکردهای بنیاد گرای های مذهبی محسوب می گردید. خلای بوجود آمده سیاسی در کشور توسط مجاهدین و هوأخواهان شان که بعدها با تغییرات صوری بمتأبه "طالب" ها و "القاعده" وارد میدان بازی گردیدند، رفع گردید. در امتداد سال های یادشده، آسیای مرکزی نیز با چالش های جدی و قابل توجهی از قبیل خطر بسط و گسترش تروریسم در کشورهای شان مواجه گردیدند.

اما درگیری های دراز مدت و عوامل وانگیزه های بحران در سرزمین کشور عزیز ما افغانستان که بگونه ای از ارزش های قومی، قبیلوی، فرهنگی، مذهبی و سنتی جامعه ما تأثیر پذیرمی باشد، اثرات ویرانگری بر مجموعه پیچیده ای از تضادهای داخلی و تغییر اولویت ها بویژه در رویکردهای بازیگران خارجی داشته و در کشور ما افغان ها، در این نقطه مهم ستراتیژیک آسیای مرکزی اوضاع را بیش از پیش وخیم تر نموده است.

قابل یاددانی پنداشته می شود که احوال کنونی و وضعیت موجود در کشور عزیز ما، بویژه زمانی شکل گرفت که بتاريخ ۲۷ ماه سنبله سال ۱۳۸۰، از جانب مجلس سنا و مجلس نمایندگان ایالات متحده، قطعنامه مشترکی شامل پنج پیشنهاد در دوبرخ را که استفاده و کاربرد نیروی نظامی را مجاز می شمرد، تصویب نمودند. شخصیت های رسمی، برخی از رجال دولتی ایالات متحده و محققان امور، تصویب طرح یادشده را بمتأبه مبنایی بمنظور تجاوز بر سرزمین افغان ها می پندارند. علیرغم وعده های داده شده در مورد آغاز و تداوم مذاکره و گفتگو با سازمان های تروریستی، در امتداد ماه حوت سال ۱۳۹۷، ایلیس ویلز، در مرکز کشور قطر، عقب درهای بسته با اعضای دفتر سیاسی "طالب" ها ملاقات و مذاکراتی را انجام داد که در نوع خود در آخرین ماه سال ۱۳۹۸ زمینه ساز امضای توافقنامه ای گردید. سند مربوط به توافقنامه یادشده که با عجله و شتاب تنظیم و تهیه گردیده بود، در مجموع، ساز و کار مشخصی بمنظور تشکیل و پایه گذاری دولت ائتلافی، واگذاری نظارت نیروهای مسلح، چگونگی سربراه نمودن منابع مالی، حل مشکل و معضل پناهندگان ارائه نموده و بسیاری از جنبه های حیاتی دوره انتقال در آن نیز مشخص نگردیده بود. با وجود آنکه شرکت و سهمگیری نماینده های جامعه جهانی در فعالیت های حقوقی و دیپلوماتیک بین المللی رواج داشته و بیک رسم مبدل گردیده، اما از موجودیت ناظران جامعه جهانی هنگام امضای سند یادشده نیز خبری نبود.

در وضعیت حاضر، شرایط تداوم پروسه ملاقات و گفتگوها با حاکمیت "طالب" ها از اهمیت منحصر بفردی برخوردار می باشد، چه، تلاش های چندجانبه بمنظور خروج و نجات از وضعیت بوجود آمده، بویژه در امتداد سه دهه پسین در عرصه معاونت های بشردوستانه و تلاش ها بمنظور رفع شرایط و وضعیت نهایت دشوار بحران اقتصادی، چگونگی عواقب خطرناک مداخله از مرزهای جنوبی کشور ما نحوه همکاری هایی بمنظور تعیین آینده سیاسی و استقرار پایدار در کشور عزیز ما در دستور روز قرار دارد. بهمین منظور و بر بنیاد دلایل و شواهد ارائه شده، بایست پذیرفت که نباید هیچگاهی اجازه داد تا سرزمین و اراضی کشور عزیز ما افغانستان به محل و منبع تهدید دائمی برای کشورهای دیگر مبدل گردیده و همچنین بایست اصل شرکت و سهمگیری همه گروه های نژادی و قومی در حیات سیاسی - اجتماعی و اقتصادی - اجتماعی کشور بمتأبه شرط کلیدی برای تکمیل و بسر رساندن پروسه آشتی ملی تأمین گردد. بتاريخ ۲۴ ماه اسد سال ۱۴۰۰ پس از آنکه "طالب" ها بقدرت رسیده و تسلط کامل شان بر کشور را اعلام نمودند، افغانستان را به جهنمی مبدل نموده و بویژه شرایط زندگی بانوان کشور را در بدترین و خفقان آورترین وضعیتی قرار داده اند. بانوان کشور، در امتداد ۲۰ سال پسین بمنظور دستیابی به حق تحصیل و کار مبارزه نموده و در زمینه بمؤفقیتهای نیز نایل گردیدند. اکنون بمنظور دستیابی با آزادی های یادشده، هر کدام آنها با خطر از دست دادن جان خویش میباشند. پس از آنکه "طالب" ها بر شهر کابل مانند سایر شهرهای کشور بدون مقاومت مسلط گردیدند، وارد ارگ ریاست جمهوری شده و از اعلام قریب الوقوع "امارت اسلامی افغانستان" و همزمان با آن از ختم جنگ و پایان درگیری های مسلحانه در کشور خبر دادند. پس از آنکه کشور عزیز ما افغانستان در بحران عمیق و فراگیر اقتصادی - اجتماعی فرو رفت، همزمان با آن، بحران بشری و بحران حقوقی در کشور نیز شکل گرفت. با پیشروی "طالب" ها بجانب کابل، بتعداد ۲۵۰ هزار تن از شهروندان کشور که بیشترین تعداد آنها را بانوان و اطفال تشکیل می دادند، ناگزیر بترک

سرزمین آبیایی و اجدادی شان گردیدند.

نباید فراموش نمود که کشورهای منطقه بمتابۀ طرف های سنتی و طبیعی روند مذاکرات پایست روابط و تماسهای سازنده ای را با نماینده های حاکمیت کنونی در کشور که آسیای مرکزی را بمتابۀ منطقه مهم در سیستم امنیتی اور آسیا تعریف می کند، تأمین نموده و موقعیت کنونی کشور را نیز بگونه مشخصی تعریف نمایند. موقعیت تعیین کننده کشور ما، بویژه با وضاحت کاملی در نمونه چندین سایت بین المللی مانند "گروه های بین المللی تماس در مورد افغانستان" گروه های تماس سازمان همکاری های "شانگهای - افغانستان"، "فورمات مسکو"، "گروه های تماس (۲+۶) و (۳+۶) و ایجاد زمینه هایی در چارچوکات کنفرانس بین المللی تحت عنوان "پروسة صلح"، "همکاری در عرصه تأمین امنیت و وسعت همکاری های منطقوی" و "آسیای مرکزی": همبستگی متقابل منطقوی تحت عنوان "چالش ها و فرصت ها" که در ماه حمل ۱۳۹۷ آغاز بکار نمود و همچنان از طرحی در مورد شکل بندی کنفرانس بین المللی در سطح عالی در مورد کشور عزیز ما افغانستان در ماه اسد سال ۱۴۰۰ یاددهانی بعمل آورد.

همچنان مسایل مرتبط به سفرهیات رسمی از پاکستان بکابل و انجام ملاقات و گفتگوهایی با رهبری و سایر اعضای حکومت مؤقت در امتداد سال ۱۳۹۹، در نوع خود، نتایج سازنده ای ببار آورد. در شرایط و وضعیت جدید، مسایل توسعه ظرفیت های ژئواکونومیکی و فرصت های کریدور ترانس افغانی ترمز - مزار شریف - کابل - پشاور بویژه از اواخر سال پاردر مرکز توجه جلسات مشاوره یی افغانستان - از پاکستان و پاکستان قرار گرفت.

باحتمال اغلب، طرح لوژیستیکی فراملی در آینده نزدیک بمتابۀ مبنای اساسگذاری بزرگراه وصل کننده دولت های آسیای مرکزی در کوتاه ترین مسیر (مجموعن ۷۶۰ کیلومتر) و ارتباط آن با دهلیز قراقرم و پس از آن با بنادر بحری کراچی و گوادر پاکستان راه اندازی خواهد گردید. پایست خاطر نشان گردد که مؤثریت طرح یادشده افغانی، بویژه با ایجاد خطوط راه آهن از پاکستان - قرغیزستان - چین بامتداد ۴۳۳ کیلومتر، چین را با کشورهای آسیای مرکزی وصل می نماید که وضعیت اینچینی، خود در افزایش صادرات کالاهای چینیایی بکشورهای آسیای مرکزی و جنوب آسیا و بالمقابل سهولت هایی فراهم گردیده و همچنان سبب خواهد گردید تا بگونه قابل توجهی جریان انتقال اموال از طریق دهلیزهای شمال - جنوب و شرق - غرب همچنان فعال نگهداشته شود.

در امتداد ماه ثور سال روان، کنفرانس بین المللی در مورد کشور ما در تاشکند گشایش یافت که نماینده هایی از ۲۱ کشور و سازمان های معتبر بین المللی بهدف احیای مجدد حیات اجتماعی - اقتصادی و ارائه فوری معاونت های بشری بشردوستانه به شهروندان محتاج افغانستان و آزادسازی منابع مالی و مبالغ توقیف شده بانک مرکزی کشور ما، حضور بهم رسانیده بودند.

همچنان انتظار برده می شد که نماینده رسمی "طالب" ها، مجموعه نحوه کردار و رویکردهای خود را یکبار دیگر به آزمایش گرفته و در مورد پایه گذاری و تشکیل دولت فراگیر و همه شمول و هم در قبال اجرای عملی سلسله ایی از موارد و شروطی که جامعه بین المللی بمنظور برسمیت شناختن "امارت اسلامی افغانستان" مطرح نموده اند، بگونه قاطعی عمل نمایند.

بعبارۀ دیگر، چارچوکات جدید دیالوگ و گفتگو در منطقه با سهمگیری نماینده های دولت ها، سازمان های بین المللی، کارشناسان و نماینده های رسمی حاکمیت مؤقت بهدف جستجوی رویکردهای بهینه برای بازسازی افغانستان پس از جنگ و مقابله با بحران بشری در کشور ما در حال شکل گیری می باشد. بر بنیاد گزارش هیأت معاونیت سازمان ملل در کشور ما، تعداد مجموعی شهروندان مستحق بدریافت معاونت ها و کمک های بشردوستانه روزتاروز در حال افزایش می باشد.

بخاطر ما باشد که در مجموع فعالیت های پیچیده و اما تاحدودی هماهنگ برخی از دولت ها در عرصه بین المللی، بویژه اصل صلح، امنیت و توسعه پایدار در کشور ما را که برای کل منطقه از اهمیت منحصر بفردی برخوردار میباشد، با موانعی مواجه خواهد نمود.

ایجاد فضای سیاسی جدید منطقوی نشاندهنده این واقعیت می باشد که روند مشارکت نزدیکتر شهروندان کشورهای آسیای مرکزی در امر تقویه صلح و ایجاد امنیت پایدار در منطقه بواقعیت عینی و انکارناپذیری مبدل گردیده و همچنان تبارزدهنده این واقعیت می باشد که گشایش روابط و تحکیم مناسبات بویژه میان نزدیکترین کشورهای همجوار، از جمله عوامل توسعه پایدار در سراسر منطقه محسوب می گردد.

شنبه ۱۵ ماه دلو سال ۱۴۰۱ خورشیدی برابر با ۴ ماه فبروری سال ۲۰۲۳ ترسایی